

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولتیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

آیا در سیر و سلوک هدفگذاری و برنامه‌ریزی امکانپذیر است؟

پرسش: ما در مسائل مادی هدف‌های روشن و مشخصی داریم و حتی تاریخ تعیین می‌کنیم و هرچه هدف برای ما ملموس‌تر باشد بهتر می‌توانیم برایش برنامه‌ریزی کنیم و به آن برسیم؛ اما در سیر و سلوک عرفانی که هدف لقاءالله است دنبال این نیستیم که به جای خاصی برسیم و لذا برنامه‌ریزی هم نمی‌کنیم. فقط مطابق با مراقبات و عباداتی که وجود دارد سعی می‌کنیم آن عبادات را انجام دهیم؛ اما اینها هدف مشخصی به نظر نمی‌آیند. یعنی من نمی‌توانم بگویم تا دو ماه دیگر باید به اینجا برسم؛ اما می‌توانم بگویم سه ماه رجب و شعبان و رمضان المبارک این کارها را انجام می‌دهم؛ بدون اینکه هدف مشخصی تعریف کرده باشم. آیا ما نباید برای آینده برنامه‌ای داشته باشیم و باید همه را به خدا واگذار کنیم؟

پاسخ: ما در برنامه‌ریزی، مثلاً برنامه‌ریزی‌های آموزشی، یک‌سری اهداف آرمانی و کیفی داریم. منتها آن آرمان‌ها یا اهداف کیفی را در برنامه‌ریزی، به اهداف کمی تبدیل می‌کنند؛ به اصطلاح یکی از کتاب‌هایی که در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خواندم، به هدف‌های تدارک‌شده تبدیل می‌کنند. آن‌وقت قابل ارزیابی و زمانبندی هستند.

مثلاً می‌گویید من باید ظرف دو ماه آینده این کارهای معین را، که در جنبه‌های معنوی و کارهای عبادی و خیر هستند، انجام دهم. یعنی آن هدف معنوی، که شما انسان مقرب الی‌الله و متعالی باشید، به هدف‌های کمی تبدیل می‌شود. مثلاً شما می‌خواهید انسان دانشمندی شوید؛ این یک هدف کیفی

است؛ کمی نیست. اما انسان دانشمند باید دانش‌هایی را بیاموزد. آن وقت آن را تبدیل می‌کنید به اینکه من باید تا شش ماه دیگر به این زبان مسلط شده باشم؛ باید تا شش ماه بعدش، فلان مطلب را یاد گرفته باشم. وقتی این اهداف، تدارک شدند و قابل سنجش شدند، آن وقت می‌توان برایش برنامه‌ریزی زمانبندی کرد؛ گام‌های ریز رسیدن به همان هدف به اصطلاح میان‌مدت را کاملاً مشخص کرد و طبق آن باید پیش رفت.

این نکته‌ی بسیار مهمی در هر چیز است. مثلاً می‌خواهیم کشور ایران از نظر نظامی مقتدرترین کشور منطقه شود. این یک هدف کیفی است. ولی مقتدر شدن نظامی مستلزم چیست؟ مثلاً، ما باید از نظر نیروی زمینی این‌گونه باشیم؛ از نظر نیروی هوایی و دریایی این‌گونه باشیم؛ صنعت دفاعیمان این‌طور باشد و حالا این هدف کیفی را می‌شود به اهداف کمی تبدیل کرد. آن وقت برای آن اهداف کمی، برنامه‌ریزی زمانبندی کرد. در جنبه‌های معنوی هم می‌شود مانند جنبه‌های ظاهری دنیوی، این کار را انجام داد. می‌شود برای تصحیح اخلاق خویشتن و تزکیه‌ی اخلاقی، برنامه‌ی زمانبندی گذاشت. الان من احساس می‌کنم پنج‌تا، ده‌تا صفت منفی اخلاقی دارم. برای مبارزه‌ی با اینها، می‌توانم برنامه‌ی زمانبندی بگذارم. بگویم برای اینکه به تهذیب نفس از این صفت منفی برسم، باید چنین کارهایی را انجام دهم. تکنیک‌های اصلاح اخلاق و تربیت اخلاقی را هم در کتاب شراب طهور^۱ و بحث‌های دیگری مثل سی‌دی درآمدی بر مبحث اخلاق^۲، اشاره کرده‌ایم. آنها دیگر کاملاً قابل سنجش هستند. مثلاً بگویم باید این کارها را انجام دهم تا از بخل نجات پیدا کنم و فرد سخاوتمندی شوم. خوب برای این

^۱. طیب، مهدی، شراب طهور، صص ۳۲۷-۳۳۷

^۲. برای آگاهی از مباحث مذکور رک.

<http://ahlevela.ir/mp3-sort/akhlagh%20new/40%20tazkiye%20amali.mp3>

<http://ahlevela.ir/mp3-sort/akhlagh%20new/41%20tazkiye%20akhlaghi.mp3>

کار، هم باید از نظر دانش و آگاهی تغییراتی کنم، و هم از نظر عمل خود را به انفاق و کار خیر وادار کنم و امثال آن؛ تا تدریجاً آن خُلق بخلم از بین برود و سخاوت جایگزین شود. اینها کاملاً قابل برنامه‌ریزی است.

بنابراین می‌شود هدفگذاری کرد. وقتی شما اهداف را به شکل کیفی بیان می‌کنید، طبیعتاً مبهم و گنگ هستند. به هیچ شیوه‌ای نمی‌شود آن را سنجید. [مثلاً] شما می‌خواهید انسان دانشمندی شوید. خب این یعنی چه؟ یعنی الان شدی؟ چقدر چیز دیگر یاد بگیری خواهی شد؟ هیچ قابل سنجش نیست. [یا مثلاً] می‌خواهم انسان متعالی‌یی شوم؛ انسان با فضیلتی شوم؛ انسان مقربیی در درگاه خدا شوم؛ هیچ‌یک از اینها قابل سنجش به آن معنا نیستند. ولی می‌شود اینها را به اهداف کمی کاملاً قابل سنجش ریز کرد؛ در مسیر دستیابی به آن برنامه‌ریزی کرد و گام‌های نزدیک شدن به آن هدف را کاملاً تعریف کرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ